

ابوالقاسم نعمت شهربابکی^۱ سمیه میرنژاد^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰، ۶، ۲۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰، ۷، ۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰، ۹، ۱۰

DOI: 10.22055/PYK.2021.17194 DOR: 20.1001.1.23224622.1400.10.24.5.6

URL: paykareh.scu.ac.ir/article_17194.html

ارجاع به این مقاله: نعمت شهربابکی، ابوالقاسم و میرنژاد، سمیه. (۱۴۰۰). بررسی نقوش آویزبافته‌های طلسمی و تعویذی در سیستان و بلوچستان. پیکره، ۱۰(۲۴)، ۵۵-۷۲

ترجمه انگلیسی این مقاله با عنوان زیر در همین شماره منتشر می‌شود

An Analysis of the Patterns of the Spell and Amulet Woven Pendants in Sistan and Baluchestan

بررسی نقوش آویزبافته‌های طلسمی و تعویذی در سیستان و بلوچستان

چکیده

بیان مسئله: از جمله دست بافته‌های مناطق عشایری سیستان و بلوچستان آویز بافته‌های تزئینی است. بافندگان برای در امان بودن از مصائب روزگار و غلبه بر ترس‌ها از نقوشی در این بافته‌ها استفاده نموده‌اند که جهت طلسم و تعویذ شکل گرفته‌اند. از این رو مسئله قابل تأمل این است که چگونه نقوش مرتبط با طلسم و تعویذ روی دست‌بافته‌های کاربردی زندگی نقش بسته است و دلیل کاربرد این نقوش در این دست‌بافته‌ها چیست؟

هدف: از آنجاکه تاکنون مطالعه جامعی در این باره صورت نگرفته نگارندگان بر آن شدند که در این زمینه به پژوهش بپردازند. مقاله حاضر کوشیده است تا با شناسایی انواع آویز بافته‌های سیستان و بلوچستان، ضمن تلاش در برطرف نمودن کاستی‌های پژوهش‌های موجود و هم‌راستا، نقوش این بافته‌ها را تحلیل و بررسی کنند.

روش پژوهش: این مقاله از نوع پژوهش‌های کیفی است و روش ارائه آن توصیفی-تحلیلی است که اطلاعات مورد نظر آن به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری گردیده است.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد دست‌بافته‌ها در این منطقه به‌صورت آویزبافته یک‌تلی (دست‌بافته‌ای با عرض کم و طول زیاد)، تعویذبند، گلوبند چهارپایان، مال‌بند و پُلك بوده است، نقوش در دست‌بافته‌ها علاوه بر جنبه تزئینی و کاربردی، جهت بازتاب آرزوها، خواسته‌ها، بیان ترس و اعتقادات مردم منطقه بوده است. پرکاربردترین صورت هندسی نقش‌مایه‌ها با بنیاد مثلث، مربع و لوزی است استفاده از این فرم و نقوش در این دست‌بافته‌ها نشان از تأثیر اقلیم و فرهنگ منطقه‌ای بر هنر این سامان دارد. استفاده از این نقوش در کنار تزئیناتی هم‌سو، برای دفع بلا یا با هدف تعویذی و طلسمی ایجاد شده‌اند.

کلیدواژه

سیستان و بلوچستان، آویزبافته، باور، طلسم و تعویذ، نقش

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه فرش، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران.

shahrbabaki@arts.usb.ac.ir

۲. مربی گروه فرش، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران.

مقدمه

ایران با دارا بودن اقوام و طایفه‌های متعدد دارای خصوصیات منحصر به فردی در بافت دستبافته‌ها می‌باشد، هنر سیستان و بلوچستان در مناطق جنوب شرقی فلات ایران از سابقه‌ای دیرینه برخوردار است و یکی از مراکز مهم بافندگی در ایران به شمار می‌رود. دستبافته‌ها در این منطقه از فرهنگ و پیشینه تاریخی این قوم ریشه و الهام می‌گیرد، در واقع «باورها، اعتقادات و آداب و رسوم هر قوم و ملتی را می‌توان از میان قصه‌ها، اسطوره‌ها، بناهای تاریخی، آثار باستانی و بالأخره صنایع دستی ایشان، استنباط نمود» (ناغانی، ۱۳۹۳، ۲۰). «یکی از جلوه‌های خلاقیت هنر بشر، دستبافته‌ها می‌باشند که با وجود سابقه هزاران ساله هم‌چنان به دلیل کارکردهای چندجانبه جایگاه ویژه خود را به‌عنوان یکی از صور تمدنی با ارزش حفظ نموده است» (سوری، ۱۳۹۷، ۵۶). دستبافته‌ها در هر منطقه‌ای مبین تاریخ، هنر و فرهنگ مردم آن منطقه است که با شیوه‌ها و فنون مختلف بافته می‌شوند. هر یک از مناطقی که مردمان به این حرفه مشغول‌اند بر مبنای اصول و قواعدی این بافته‌ها را تولید می‌کنند که با دیگر مناطق متفاوت بوده و این تفاوت ریشه در فرهنگ و سنت هر قوم دارد. آویزبافته‌های سیستان و بلوچستان تنها جنبه تزئینی ندارند، بلکه مهم‌تر از این جنبه اعتقادی و باور قلبی بافندگان به‌ویژه در گذشته بوده است.

آویزبافته‌ها پس از اتمام بافت با انجام تزئینات متعدد سایر هنرها چون آینه‌دوزی^۱ و پُلک‌دوزی^۲ به‌عنوان سردر و یا طناب در اندازه‌های کوچک‌تر برای جعبه تعویذ و دعا مورد استفاده قرار می‌گیرند. نقوش به کار رفته در این بافته‌ها اغلب جنبه اعتقادی دارند. اعتقادات از عناصر مهم هر فرهنگی محسوب می‌شود. قسمتی از این اعتقادات، حقیقی و مبتنی بر اصول منطقی و الهی است؛ اما بخشی از آن‌ها بی‌پایه و بدون دلیل است که به آن «خرافات» می‌گویند. وجود اعتقادات خرافی در بین مردم جهان و از جمله مردم ایران واقعیتی انکارناپذیر است. البته ممکن است برخی از آن‌ها به این دلیل خرافات تلقی شوند که علم هنوز قادر به توضیح یا اثبات آن‌ها نیست. با این حال امروزه بخش عمده‌ای از آن‌ها از دید جامعه‌شناسی نیازمند بررسی بیشتر است. به‌طور کلی در جوامع ابتدایی همواره برای دفع نیروهای شر و جذب نیروهای خیر با توسل به نیروهای ماورائی استفاده از طلسم‌ها و تعویذها کاربرد داشته است. «سحر، جادو و طلسم از کاربردهای ویژه و پر بسامد انسان بدوی، به‌منظور عطف توجه انسان به سایر موجودات هستی و تشریک آنان در کارگزاری عالم و نیز تجدید حیات جهان است؛ چرا که از نظر او این جهان با تمام مظاهرش از قبل به پایان رسیده است و تنها دستاویز بازآفرینی و تجدید آن، همین اعتقادات و اعمال است» (عزیزی‌فر، ۱۳۹۲، ۸۴). «منطقه سیستان و بلوچستان از قدیمی‌ترین سکونت‌گاه‌ها و تمدن‌های موجود در ایران بوده است با توجه به کاوش‌های باستان‌شناسی که در منطقه صورت گرفته و کشف دستبافته‌هایی از این مناطق، یکی از قدیمی‌ترین کانون‌های بافندگی نیز به‌شمار می‌رود» (سیدسجادی، ۱۳۸۸، ۵۲). مردمان این خطه از کشور دارای آداب، رسوم و فرهنگی غنی هستند که با توجه به دورافتاده بودن و بافت قومی و قبیله‌ای کم‌تر دچار تغییر شده و هم‌چنان بکر و دست نخورده باقی مانده است. در این میان عشایر سیستان و بلوچستان بافته‌های ارزشمندی دارند که به‌دلیل شناخت کم از آن‌ها شایسته بررسی بیشتر به لحاظ هویتی و معناشناسی‌اند.

روش پژوهش

منابع مورد پژوهش این تحقیق دستبافته‌های عشایری سیستان و بلوچستان است. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از منابع مختلف به ویژه منابع میدانی بهره گرفته شده است. از آنجایی که دستبافته‌های مذکور در موزه یا مراکز خاصی نگهداری نمی‌شدند، نگارنده برای یافتن نمونه‌ها با جستجو از روستاییان و هم‌چنین عشایر چادرنشین

منطقه و اطمینان از وجود آویزبافته‌ها در نزد آن‌ها، از آن‌ها عکس برداری برداری کرده است. با توجه به محدود بودن آویزبافته‌ها و عدم تنوع طرح و نقش، از این بین تعداد ۲۰ عدد از دست‌بافته‌ها به‌عنوان جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفتند. هدف از انجام این تحقیق شناسایی انواع آویزبافته‌های سیستان و بلوچستان، بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های انواع بافته‌های آویزی و بررسی نقوش تعویذی و طلسمی به‌کار رفته در آن‌هاست. اطلاعات به‌صورت میدانی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده و نوع تحقیق کیفی و بنیادین است.

پیشینه پژوهش







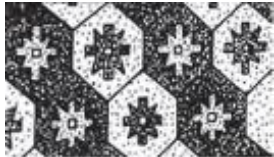


در معرفی طلسم‌ها و تعویذها قدیمی‌ترین کتابی که وجود دارد کتاب «اسرار قاسمی» ترجمه (الکتاب خمسه) سهروردی است که به بررسی علوم غریبه پرداخته است (واعظ کاشفی، بی‌تا). کتاب «فرهنگ عامیانه مردم ایران» (هدایت، ۱۳۸۱) به شرح طلسم‌ها و تعاویذ مورد استفاده مردم در مناطق مختلف دقت نظر دارد. کتاب «طلسم گرافیک سنتی ایران» (تناولی، ۱۳۸۷) پاره‌ای از طلسم‌های رایج در ایران را معرفی و آن را نوعی گرافیک سنتی می‌نامد. مقاله «تعویذ در فرهنگ عامه» (جهانشاهی افشار و مداحی مشیزی، ۱۳۹۶) در این پژوهش با کندوکاو در اعتقادات و باورهای مردم کرمان، عناصر تعویذی مشخص شده و کارکردهای آن‌ها به‌عنوان عناصر تأثیرگذار در زندگی مردم این منطقه مورد بررسی قرار گرفته است. هم‌چنین پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی زمینه‌های اجتماعی به‌وجود آمدن طلسم و تعویذ و تأثیر آن بر جنبش سقاخانه» (آیین‌دست، ۱۳۹۳) با رویکردی جامعه‌شناسی به بررسی زمینه‌های به‌وجود آمدن طلسم و تعویذ و تأثیرات آن به لحاظ باور و شکل بر روی نقاشی معاصر ایران، مکتب سقاخانه پرداخته است. علاوه بر موارد فوق در مورد طلسم و تعویذ مطالعاتی چند در فرهنگ مناطق مختلف ایران صورت گرفته است. اما در ارتباط با طلسم در دست‌بافته‌ها تنها پژوهش‌های یافت شده مقاله‌ای با عنوان «نقش‌مایه طلسم محافظ بر فرش ترکمن» (یعقوب‌زاده، ۱۳۹۲) که به معرفی نقوش با کاربردهای طلسم بر فرش ترکمن پرداخته است. هم‌چنین مقاله «نقش‌مایه‌های طلسم، تعویذ و حرز، مطالعه موردی: دست‌بافته‌های عشایر لر بختیاری» (یعقوب‌زاده و خزائی، ۱۳۹۸) به شناسایی نقوش نمادین مرتبط با حرز و تعویذ در دست‌بافته‌های این قوم پرداخته است. پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی طلسم و تعویذ و تأثیر آن در نقش‌مایه‌های فرش‌های سیستان و بلوچستان» (نعمت شهربابکی، ۱۳۹۳) ضمن بررسی فرهنگ و هنر مردم سیستان و بلوچستان به بررسی نقوش طلسمی و تعویذی فرش‌ها و دست‌بافته‌های عشایری منطقه بررسی کرده است. مقاله «آرایه‌ها و نگاره‌های مرتبط با چشم‌زخم در دست‌بافته‌های اقوام ایرانی» (افضل طوسی، ۱۳۹۳) این پژوهش با نشان دادن تأثیر اعتقادات در هنر مردمی به‌ویژه دست‌بافته‌های روستایی، به نقش چشم‌زخم و تعویذ در دست‌بافته‌ها اشاره دارد. در پژوهش حاضر سعی بر آن است ضمن بررسی و معرفی بعد فرهنگی و هویتی دست‌بافته‌های عشایری سیستان و بلوچستان به شناسایی و معرفی پاره‌ای از نقوش طلسمی و تعویذی به‌کار رفته در آویزبافته‌ها که تا پیش از این صورت نگرفته، پرداخته شود.

طلسم و تعویذ

در «فرهنگ معین» آمده است «طلسم نوشته‌ای شامل اشکال و ادعیه است که توسط آن عملی خارق عادت انجام دهند» (معین، ۱۳۶۴، ذیل واژه طلسم). در برخی منابع طلسم را معادل جادوی «هومیوپاتیک» می‌دانند، چنان‌که

در «دایرةالمعارف دین و مذهب» آمده است که طلسم ناشی از این عقیده است که اشیاء در تماس با آدمی، می‌توانند قدرتی یا وضعی را وارد کنند (Elliade, & Adams, 1987.243). واژه طلسم در بسیاری از زبان‌های دنیا با همین لفظ و یا با اندک تغییر، باقی مانده است و تاریخچه‌ای کهن دارد. «مشهور است که بلنیاس -حکیم یونانی که به پدر طلسم شهرت یافته- بر این علم تسلط کامل داشته و برای محافظت بسیاری از شهرها از گزند طوفان، مار و کژدم طلسم‌هایی ساخته و به دروازه شهر آویخته بود. برخی نیز قوانین طلسم را به هرمس تریسمگستوس نسبت داده‌اند» (تناولی، ۱۳۸۷، ۶۱). آن‌چه با شنیدن واژه طلسم به ذهن متبادر می‌شود اشکال رمزگونه‌ایست که با هدف جذب نیروهای ماورائی بر روی اشیاء نقش می‌بستند. «بر اساس این باور عواملی در اطراف هستند که باعث صدمه، آسیب، بداقبالی یا حتی مرگ می‌شود. طلسم با قدرت جادویی یا مذهبی صاحب خود را از عوامل خطر محافظت می‌کند و تأثیر بد را کاهش می‌دهد. ریشه‌های اسطوره‌ای این باور را باید در ابعاد دینی و اخلاقی نیروهای خیر و شر جست‌وجو کرد و حتی بعد از ورود اسلام با تغییر و تحول در اشکال و نقوش با حفظ معنا و محتوا تا به امروز بررسی نمود» (یعقوب‌زاده، ۱۳۹۲، ۲۴). یکی از گسترده‌ترین اشکال استفاده از طلسمات، استفاده از آن به صورت تعاویذ است. واژه تعویذ نیز مشتق از ریشه «ع و ذ» و به «معنای پناه بردن، پناه دادن و در امان نگه‌داشتن است و در اصطلاح به معنای دعا خواندن و حرز یا دعای دفع چشم زخم آویختن بر آدمیان، جانوران یا اشیاء برای محافظت از آن‌هاست» (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل واژه). «تعویذ که معادل واژه Amulet انگلیسی و فرانسوی است مصدر واژه عربی است و فارسی آن چشم‌افسا و چشم‌بنام است» (تناولی، ۱۳۸۷، ۶۱). تعویذ تفاوت‌هایی با طلسم دارد و بیشتر شامل اشیائی دارای نوشته و یا بی نوشته است که به آن‌ها نظر قربانی نیز گفته می‌شود. «نظر قربانی که در بین عامه مردم بیشتر برای حفظ کودکان از چشم بد به کار می‌رود و معمولاً از اشیائی چون صدف، حلزون، قطعه‌ای سنگ نمک، مهره‌های رنگی، عقیق، چشم خشک شده گوسفند، دانه اسفند و دندان برخی حیوانات همراه مقداری منجوق ساخته می‌شود. بسیاری مردم این اشیاء را از خود دور نمی‌کنند و معتقدند برایشان خیر، برکت و شانس به‌همراه می‌آورد» (تناولی، ۱۳۸۷، ۶۲-۶۱). گاه تعویذ را گونه‌ای از طلسمات و از جنس ضعیف‌تر آن پنداشته یا آن را یکی از گسترده‌ترین اشکال استفاده از طلسمات به‌شمار آورده‌اند. طلسم و تعویذ را می‌توان از یک مقوله اما گاهی با راهبردهایی کم و بیش متفاوت در نظر آورد، «در حالی که کار تعویذ طرد و دفع امور نامطلوب است، طلسم دارای دو خاصیت جذب و دفع است و باعث جلب امور مطلوب نیز می‌شود» (عربستانی، ۱۳۸۷، ۶۳۵). توانایی مفروض طلسم در تغییر دادن حوادث و به بار آوردن شرایط مطلوب و معمولاً معجزه‌آسا، آن را از تعویذ متمایز ساخته است. بسیاری از اعتقادات دوران باستان، خرافات و عقاید عامیانه‌ای که در نقوش دست‌بافته‌های مناطق روستایی و عشایری پایدار مانده است. اشکال طلسمی و تعویذی در انواع اشیاء هنری گوناگون دیده می‌شوند. دست‌بافته‌ها به‌عنوان بخشی از هنر بومی برای نمود اعتقادات و باورهای بافندگان در مکان‌های متعدد دارای حوزه بافندگی ایران، عرصه جلوه‌گری اشکال طلسمی و تعویذی بوده است. در (جدول ۱) نمونه‌هایی از پرکاربردترین نقوش طلسمی و تعویذی به‌کار رفته در دست‌بافته‌ها مشاهده می‌شود.

جدول ۱. نقوش طلسمی و تعویذی پر کاربرد در دستبافته‌ها. تدوین: نگارندگان.

		
طلسم شیر. منبع: تناولی، ۱۳۸۷، ۶۰-۹۰	طلسم مرغ و ماهی. منبع: تناولی، ۱۳۸۷، ۶۰-۹۰	طلسم دیو سیاه. منبع: تناولی، ۱۳۸۷، ۶۰-۹۰
		
نگاره ستاره هشت‌پر. منبع: افضل طوسی و سنجی، ۱۳۹۳، ۸۲-۸۶	تک‌گل یا گل‌گرده قالی بختیار. منبع: افضل طوسی و سنجی، ۱۳۹۳، ۸۲-۸۶	نگاره شطرنجی. منبع: افضل طوسی و سنجی، ۱۳۹۳، ۸۲-۸۶
		
دغاچیک، ترکمن. منبع: افضل طوسی و سنجی، ۱۳۹۳، ۸۲-۸۶	نگاره چشم زخم. منبع: افضل طوسی و سنجی، ۱۳۹۳، ۸۲-۸۶	گلک قالی سیستان. منبع: افضل طوسی و سنجی، ۱۳۹۳، ۸۲-۸۶

دست‌بافته‌های سیستان و بلوچستان

دست‌بافته‌های عشایری در منطقه سیستان و بلوچستان براساس نیاز اقتصادی و فرهنگی آنان شکل می‌گیرد. طبیعت و نقوش‌های ملهم با رنگ‌های متنوع ساختار آفرینش را در جامعه سنتی با نگاهی هنرمندانه در دست‌بافته‌های منطقه به‌خصوص گلیم نمایان می‌سازد. اکثر دست‌بافته‌ها در منطقه به دو صورت، بافته‌های گره‌دار (قالی و قالیچه) و بی‌گره (دست‌بافته‌های بدون پرز مثل گلیم) تولید می‌شوند. در ادبیات فرش ایران تعریفی معادل دست‌بافته‌های بی‌گره وجود ندارد. در تعریف، دست‌بافته‌های بی‌گره در مقابل دست‌بافته‌های گره‌دار مانند قالی و قالیچه معنا می‌شود. در سیستان و بلوچستان اکثر قالی‌های تولید شده در ابعاد کوچک و به‌صورت قالیچه تولید می‌شدند و این به‌دلیل محدودیتی است که در استفاده از دار زمینی وجود داشت. به‌طور کلی دست‌بافته‌های بی‌گره در سیستان و بلوچستان شامل گلیم، خورجین، جوال، پشتی، پلاس، نمک‌دان و سفره است که در (جدول ۲) به اختصار به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

جدول ۲. دست بافته‌های عشایری سیستان و بلوچستان. منبع: نگارندگان.

دست بافته	تکنیک بافت	تصویر
گلیم	این دست بافته بیشتر توسط بلوچ‌های منطقه تولید می‌شود و به دلیل استفاده از دار افقی و محدودیت در ابعاد، برای تولید گلیم‌هایی با ابعاد بزرگ‌تر اغلب گلیم را به صورت دو تیکه جدا از هم بافته و پس از بافت دو قسمت را توسط موی بز بهم وصل می‌کنند. در سیستان به گلیم‌های ظریف باف‌شال ^۳ و در بلوچی کونت ^۴ می‌گویند.	
خورچین	بافته‌ای است که چادرنشینان کوچ رو اغلب به همراه خود دارند. دارای دو قسمت کیسه مانند جهت حمل باربر روی احشام می‌باشد و دارای تنوع زیادی از نظر جنس و نوع بافت است و هم به صورت گلیم باف و هم به صورت یکرو قالی و یکرو گلیم در منطقه تولید می‌شود.	
جوال	نوعی کیسه از جنس گلیم است و معمولاً مواد اولیه آن پشم یا پنبه می‌باشد و برای نگهداری جو و خصوصاً گندم و آرد در منطقه استفاده می‌شود.	
پشتی	دارای دو نوع بافت تمام گلیم و یا یکرو قالی و یکرو گلیم می‌باشد و ابعاد تقریبی آن ۵۰ در ۹۰ سانتی‌متر است معمولاً با پنبه و یا پشم و ... پر می‌شود و دورتادور اتاق و یا چادر چیده می‌شود.	
پلاس	این دست بافته از موی بز تهیه می‌شود و به صورت گلیم باف بدون نقش و به رنگ سیاه تهیه می‌گردد. که در گویش سیستانی به آن پلاس و در گویش بلوچی به آن گدام ^۵ می‌گویند. در واقع برای ساخت یک سیاه چادر سه قطعه پلاس را بهم می‌دوزند. به این ترتیب سیاه چادر در برابر بارندگی خیس نمی‌شود و باران به دورن آن نفوذ نمی‌کند.	
نمکدان	بافته‌ای از جنس گلیم و یا قالی است که دارای ساختار خاصی است و از نقوش تزئینی زیادی برای آن استفاده می‌شود. با توجه به اهمیت و حرمت نمک از گذشته تاکنون از آن برای نگهداری نمک استفاده می‌شود.	
سفره	شامل دو نوع سفره غذاخوری و سفره آردی می‌باشد. معمولاً از پشم سفید و یا قرمز به عنوان تار و از الیاف رنگی پشم به عنوان پود جهت ایجاد نقش استفاده می‌شود.	

در ادامه به بررسی آویز بافته‌ها در منطقه سیستان و بلوچستان می‌پردازیم.

انواع آویز بافته‌های طلسمی و تعویذی در سیستان و بلوچستان

«انگیزه قوم سیستان و بلوچستان از خلق آثار هنری در قالب محصولات کاربردی، غیر از رفع نیازهای اولیه، تلاش برای بازتاب باورها و آرزوهایی است که در ارتباط با دنیای واقعی شکل گرفته است» (کشاوری و جوادی، ۱۳۹۵، ۱۷). آویزبافته‌های طلسمی و تعویذی در سیستان و بلوچستان به صورت گره‌باف (قالی) و تخت‌باف (گلیم) بافته می‌شوند و با تزئیناتی از آئینه، صدف، سکه، دکمه و ... کاربرد دارند. مهم‌ترین آویزبافته‌های سیستان و بلوچستان یک‌تلی، تعویذبند، گلوبند چهارپایان، مال‌بند و پُلك است.

یک‌تلی: نوعی دست‌بافته نواری شکل با عرض کم (بین ۳۰ تا ۵۰ سانتی‌متر) و طول زیاد (بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ سانتی‌متر) از جنس گلیم و یا قالی بافته می‌شود و دارای نقوش تزئینی خاصی است. این دست‌بافته اغلب توسط صدف‌های خاصی که از سواحل جنوب بلوچستان تأمین می‌شود تزئین شده و گاهی نیز با منگوله‌هایی که اصطلاحاً پُلك نامیده می‌شوند، آراسته شده است (تصویر ۱) هم‌چنین با استفاده از آئینه، دکمه و صدف با طرح خاص و به صورت منظم رودوزی می‌شوند.



تصویر ۱. یک‌تلی همراه با تزئینات پُلك و صدف. منبع: نگارندگان

اندازه، رنگ‌بندی و اشکال استفاده شده در این دست‌بافته به‌همراه تزئینات الحاقی به آن بیان‌گر این است که این دست‌بافته با اهداف طلسمی و تعویذی بافته شده است و هدف از تولید آن تزئین صرف و یا به‌عنوان مصرف زیرانداز نبوده است. عشایر این دست‌بافته را بر سردر سیاه چادر، در انتهای چادر و یا بر روی رختخواب‌های خود نصب می‌کنند (تصویر ۲) و اعتقاد دارند که این دست‌بافته با نقوش و تزئینات خود باعث دفع نیروهای شر از خانه (چادر) آن‌ها می‌شود و برای جلوگیری از چشم‌زخم مفید هستند.



تصویر ۲. یک‌تلی آویخته بر سردر سیاه چادر. منبع: نگارندگان

لذا با توجه به نوع تزئینات و نقوش این دست‌بافته می‌توان به کارکرد ضد چشم‌زخمی آن پی برد که در (جدول ۳) نقش‌مایه‌های طلسمی و تعویذی آویزبافته یک‌تلی با کاربردشان بیان شده است.

جدول ۳. نقش‌مایه‌های طلسمی و تعویذی موجود در آویزبافته یک‌تلی. منبع: نگارندگان.

نام نقش	کارکرد	تصویر
عجب	نقش‌مایه‌ای است که بر مثلثی قائم‌الزاویه به دور شکلی لوزی مانند قرار گرفته است. مثل اکثر نقوش در حاشیه و در روی باندهای طولی مورد استفاده قرار می‌گیرد. عجب به معنای عجیب، شگفت‌انگیز و زیبا می‌باشد.	
ماه و روچ	به معنی ماه و خورشید در زبان فارسی است و جزء معتبرترین نقش‌مایه‌های استان به شمار می‌آید که در اکثر دست‌بافته‌ها دیده می‌شود.	
هشت چشم	لوزی‌هایی که به چهار قسمت کوچک تقسیم شده‌اند و در نهایت هر دو لوزی بزرگ در یکی از گوشه‌ها منطبق گردیده‌اند.	
سورمهر یا نقش قرمز	نقش‌مایه‌ای با نام کارچک یکی در میان در نوارهایی در عرض بافته‌ها دیده می‌شود. شاید این نام‌گذاری به این دلیل باشد که این نقش را اکثراً با رنگ‌های قرمز می‌بافند.	

پُلک: پُلک یا منگوله که با رشته‌های رنگی الیاف پشم، نخ و یا کاموا بافته می‌شوند به تنهایی یا به‌عنوان تزئین و آرایش به‌همراه سایر بافته‌ها از جمله، پستی، آویز، خورجین و غیره آورده می‌شود. (تصویر ۳) به‌جز رشته‌های پشم، از نخ‌های رنگی کاموایی، منجوق، صدف، دکمه، آیینه و پولک‌های رنگی برای درست کردن آن استفاده می‌شود. (تصویر ۴) این منگوله‌ها علاوه بر ایجاد تزئین و زیبایی برای جلوگیری از چشم‌زخم نیز کاربرد دارند.



تصویر ۴. پُلک با تزئینات صدف. منبع: نگارندگان.



تصویر ۳. پُلک مورد استفاده در تزئین گلیم. منبع: نگارندگان

تعویذبند: بیشتر از پارچه یا انواع گلیم‌بافت‌ها، قالی و یا سوزن دوزی برای تهیه آن استفاده می‌شود که طبق باورها و اعتقادات مردم مناطق مختلف استان، برای نگهداری انواع دعای نوشته شده بر پوست، کاغذ و پارچه استفاده می‌شود (تصویر ۵). تعویذبندها دارای اشکال متنوعی هستند که در این میان، شکل مثلثی بیشترین کاربرد را دارد و بیشتر برای جلوگیری از چشم‌زخم معمولاً بر روی کلاه و یا لباس کودکان یا آویز در مکانی استفاده می‌شود. (تصویر ۶)

بیکره

فصل نامه علمی، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز

بررسی نقوش آویزبافته‌های طلسمی و تعویذی در سیستان و بلوچستان

دوره دهم، شماره ۲۴، تابستان ۱۴۰۰ ۷۲-۵۵

۶۳



تصویر ۶. نقش مایه مثلثی مورد استفاده در تعویذ بند. منبع: نگارندگان.



تصویر ۵. تعویذ بند بافته شده از کاموای رنگی به همراه مهره. منبع: نگارندگان.

گلوبند چهارپایان: گلوبند چهارپایان (خصوصاً شتر) دست بافته‌ای از جنس موی بز و یا پشم است که بر روی آن‌ها پارچه‌های رنگی با اشکال مثلثی دوخته شده است. این نقوش با آئینه، دکمه و صدف تزئین شده‌اند و منگوله‌هایی از جنس پشم و یا کاموا به آن آویزان است این دست‌بافته را به جهت دفع نیروهای شر و خصوصاً برای جلوگیری از چشم‌زخم به گردن چهارپایان خود آویزان می‌کنند (**تصویر ۷**) در مواردی بر روی گلوبند و گردن بند شتر از آئینه‌دوزی و سکه‌دوزی نیز استفاده می‌شود. (**تصویر ۸**)



تصویر ۸. گلوبند شتر همراه با تزئینات آئینه‌دوزی و صدف. منبع: نگارندگان



تصویر ۷. گلوبند شتر جهت دفع نیروهای شر. منبع: نگارندگان.

مال‌بند: بافته‌ای تزئینی و کاربردی است که از آن جهت کنترل احشام استفاده می‌کنند و شامل افسار، دهنه، گلوبند و گردن‌بند احشام است (**تصویر ۹**). جنس این طناب‌ها از موی بز است که با فن خاصی بافته شده و طناب بسیار مقاومی از آن به دست می‌آید این طناب معمولاً با منگوله‌هایی از جنس پشم با رنگ‌های متنوع یا کاموا و صدف تزئین می‌شود که کاربرد چشم‌زخم دارد (**تصویر ۱۰**).

پیکره

فصل نامه علمی، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز

بررسی نقوش آویزبافته‌های طلسمی و تعویذی در سیستان و بلوچستان

دوره دهم، شماره ۲۴، تابستان ۱۴۰۰ ۷۲-۵۵

۶۴



تصویر ۱۰. انواع مال‌بند. منبع: حضوری، ۱۳۷۱، ۱۲۱



تصویر ۹. استفاده از مال‌بند برای کنترل و مهار حیوان. منبع: نگارندگان.

هم‌چنین آویزبافته مال‌بند دارای نقوشی است که در (جدول ۴) ذکر گردیده است.

جدول ۴. نقش‌مایه‌های طلسمی و تعویذی موجود در آویزبافته مال‌بند. منبع: نگارندگان.

نام نقش	کارکرد	تصویر
بازوبند	جزء نقش‌مایه‌های اصیل در سیستان است و به شکل‌های ساده‌تر نیز وجود دارد و بیش‌تر برای مال‌بند از این نقش‌مایه استفاده می‌شود.	
تعویذی	پیکان‌های حاصل از دو شکل مربع و مثلث است.	
ستاره	نقش‌مایه ستاره از ترکیب دو مثلث تشکیل شده است. نشانه آمیزش نهایت و بی‌نهایت، نشان محافظت‌کننده دارد (شیرانی، ۱۳۸۸، ۲۹).	
فراموش شده	نقش‌مایه‌ای با بنیاد مربعی که در وسط آن یک لوزی به‌شکل چشم واقع شده است. مرکز لوزی معمولاً با دو رنگ به‌صورت قرینه بافته شده است. حضوری آن را جزء نقش‌مایه‌های فراموش شده معرفی نموده است.	

بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های آویزبافته‌های سیستان و بلوچستان

آویز بافته‌ها در سیستان و بلوچستان به‌عنوان بخشی از محصولات بومی منطقه به دو صورت بافته‌های گره‌دار (قالی و قالیچه) و بی‌گره (دست‌بافته‌های بدون پرز مثل گلیم) تولید می‌شوند. از بین نمونه‌های معرفی شده


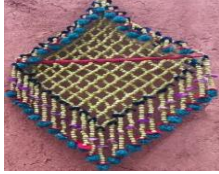
مال‌بندها به صورت قالی‌بافی‌اند. تعویذبند، گلوبند حیوانات به صورت گلیمی است. یک‌تلی به صورت قالی‌بافی و گلیم‌بافی است. پُلک که بر دار بافته نمی‌شود و علاوه بر این که خود عنصر تزئینی برای سایر آویز بافته‌هاست منگوله‌هایی رنگی است که به دلیل تزئینات متناسب با چشم‌زخم نیز به تنهایی کاربرد دارد. مواد اولیه بافت یک‌تلی پشم، مال‌بندها موی بز، گلوبند حیوانات پشم و موی بز، پُلک و تعویذبند از پشم و کاموا است. از نظر اندازه بنا به کاربردی بودن آویزبافته‌ها متعقداند. اندازه یک‌تلی عرض کم (بین ۳۰ تا ۵۰ سانتی‌متر) و طول زیاد (بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ سانتی‌متر) است. پُلک با رشته‌های رنگی می‌تواند کوتاه یا بلند تعبیه شود و اندازه مشخصی ندارد. گاه تعداد الیاف استفاده شده بیش‌تر و قطورتر به نظر می‌آید. بیش‌ترین رنگ استفاده شده در آویزبافته‌ها قرمز و سایر رنگ‌های استفاده شده برای تولید این محصولات، سفید، سبز، قهوه‌ای تیره و روشن، مشکی، آبی، بشمی و نارنجی است.

تزئینات آویز بافته‌های سیستان و بلوچستان

تزئینات بافته‌های سیستان و بلوچستان شامل آئینه، صدف، سکه، دکمه و مهره است همچنین در مواردی از اسپند که به گویش سیستانی به آن دودنی می‌گویند استفاده می‌شود. (جدول ۵)

جدول ۵. تزئینات مورد استفاده در آویزبافته‌های سیستان و بلوچستان. منبع: نگارندگان.

تصویر	تزئینات آویزبافته‌ها
	تزئینات آئینه‌دوزی مورد استفاده در یک‌تلی
	تزئینات سکه‌دوزی مورد استفاده در یک‌تلی
	تزئینات صدف مورد استفاده در دست‌بافته
	تزئینات پلک همراه با مهر در دست‌بافته

تصویر	تزئینات آویزبافته‌ها
	تزئینات مورد استفاده در گلوبند حیوانات
	دودنی (اسپند)

به عقیده اقوام سیستانی و بلوچ این تزئینات علاوه بر زیبایی، باعث دفع ارواح خبیث شده و از چشم‌زخم جلوگیری می‌کند. برای این منظور، خرمهره که «نظر قربانی» نیز خوانده می‌شود، متداول‌ترین طلسم است؛ اما اشیاء دیگری نیز مانند آیینه، صدف، دکمه و دیگر فلزات نیز مؤثر تشخیص داده شده است. مردم در منطقه سیستان و بلوچستان عقیده دارند این اشیاء تزئینی علاوه بر آراستگی آویزبافته‌ها در پررنگ نمودن نقش تعویذی و طلسمی مؤثرند. از دیگر شیوه‌های دفع چشم‌زخم به‌وسیله اسفند، ساختن طلسم‌هایی از آن است. دانه‌های اسفند را به چند رشته نخ می‌کشند، سپس آن‌ها را بر اساس سلیقه، به یک‌دیگر می‌بندد که این آویز مثلثی و یا لوزی شکل را «دودنی» می‌نامند و آن را بر سردر خانه‌ها، در اتاق‌های نشیمن، در آغل‌های گوسفند و در کشت‌زارها می‌آویزند تا چشم بد، بلا و آفت را از خانه، اعضای خانواده، احشام و غلات دور کنند و برکت، فراوانی و سلامتی بیاورند و بر اساس همین اعتقاد بافندگان سیستانی و بلوچ از نقش‌مایه آن در جای‌جای فرش‌های خود استفاده کرده‌اند. این موارد از دید جهان‌گردان غربی نیز پنهان نمانده و بسیاری از آن‌ها در سفرنامه‌های خویش از این موارد یاد کرده‌اند، مثلاً بروگش در کتاب سرزمین آفتاب خویش اشاره می‌کند در ایران «پاره‌ای از سنگ‌ها، مهره‌های کبود و صدف به‌عنوان وسیلهٔ تدافعی در مقابل چشم‌زخم مورد استفاده قرار می‌گرفته است» (بروگش، ۱۳۷۴، ۱۳۸-۱۳۹). نقوش بافته شده در آویزبافته‌های منطقه سیستان و بلوچستان به‌همراه اسپند و یا مهره‌هایی که تأکید بر ویژگی طلسمی و تعویذی دارند. علاوه بر جلوهٔ دیداری، غنای هنر سیستان و بلوچستان را در ترکیب آیینه‌دوزی یا سکه‌دوزی بر روی آویزبافته‌ها نشان می‌دهد.



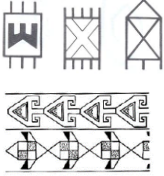

نقوش آویز بافته‌های طلسمی و تعویذی در سیستان و بلوچستان

دست‌بافته‌های عشایری سیستان و بلوچستان با نقوش متعددی تزئین شده‌اند. نقوش به‌کار رفته در دست‌بافته‌ها، بیان‌گر فرهنگ، تفکرات و باورهای مردم آن زمان بوده است. زنان عشایر با کم‌ترین امکانات و در دل طبیعت با الهام و استفاده از قابلیت‌های آن، بافته‌های منحصر به فرد خلق می‌کردند. «در پس پیدایش هر نقش می‌تواند داستان، تفکریا اعتقادی باشد که در طی سالیان پیش، ظهور و گسترش یافته است این دسته از نقوش خود به دو دسته قابل تفکیک‌اند، نقوشی که برگرفته از باورهای دینی و آیینی عشایر است و دسته دیگر نقوشی که جنبه طلسم و جادویی دارد و برای مقابله با نیروهای منفی، بافندگان این نقوش را در دست‌بافته‌های خود استفاده می‌کردند» (مجیدی، نوروز برازجانی و حاتم، ۱۳۹۰، ۲۶۴). نقوش در دست‌بافته‌های سیستان و بلوچستان، آمیزه‌ای

از فرم‌ها و رنگ‌هاست. خصوصاً با در نظر گرفتن شرایط اقلیمی و موقعیت خاص منطقه از لحاظ مرزی و سیاسی، بافنده با الهام از طبیعت محیط، باورهای ذهنی خود، نقوشی را بر دست‌بافته‌ها خلق می‌کند «بیشتر نقوش دست‌بافته‌های منطقه به صورت هندسی است و اشکال مثلث، مربع، لوزی و خطوط تکراری بیشترین نمونه استفاده شده در آویزبافته‌های طلسمی می‌باشند. در دست‌بافته‌هایی مانند قالیچه و گلیم، سوزن‌دوزی‌ها، تزئین سفال و حتی محصولات زرگری و حصیربافی‌ها نقش‌های هندسی با تنوع بسیار خودنمایی می‌کنند» (شه‌بخش، ۱۳۸۴، ۱۴۴). از بین اشکال هندسی، مثلث و لوزی بیشترین کاربرد را در دست‌بافته‌های منطقه دارند. هر شکل هندسی که در دست‌بافته‌ها به کار گرفته می‌شود یک رمز است که از طریق نقوش هندسی در دست‌بافته‌ها ظاهر گشته است. «مدت‌های بسیار طولانی از یک‌جانشین شدن قوم بلوچ می‌گذرد. اما همچنان در بسیاری از خانه‌های روستایی سیاه‌چادرهای بلوچی برپاست و نقوش هندسی مربوط به پیش از یک‌جانشینی همچنان در هنر بلوچ‌ها به کار می‌رود. هندسی بودن نقوش نتیجه پیشینه زندگی عشایری این قوم است. ذات جابه‌جایی مداوم و عدم امکان استفاده از طرح‌های مکتوب برای هنرهای گوناگون و لزوم ذهنی بودن آن‌ها خودبه‌خود گرایش هنر عشایر را به سمت زیبایی‌شناسی هندسی سوق می‌دهد» (کشاوری و جواد، ۱۳۹۵، ۱۸-۲۰). هندسی و زاویه‌دار بودن تمام نقوش سنتی منطقه بیش از هر عاملی باعث وحدت، هارمونی و هماهنگی، نه تنها در دست‌بافته‌ها بلکه در تمام هنرهای سنتی منطقه می‌شود. «از بین اشکال هندسی، نقش‌مایه مثلث با معانی و مفاهیم نمادینی از فراگیرترین نقش‌مایه‌های تزئینی استان سیستان و بلوچستان است. این نقش همچنین بر روی سفالینه‌های مکشوفه از محوطه‌های باستانی منطقه شهر سوخته به‌وفور دیده می‌شود» (سیدسجادی، ۱۳۸۶، ۵۴۶). استفاده از نقش مثلث در تزئینات دست‌بافته‌ها بسیار فراوان است از آنجایی‌که این نقش‌مایه سهم قابل توجهی از ترکیب‌های هندسی را به‌خود اختصاص داده نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت و آن را به‌عنوان یک نقش صرفاً تزئینی قلمداد کرد. با توجه به معانی نمادین این نقش‌مایه و استفاده فراگیر و هوشمندانه از آن بر روی ظروف شهرسوخته بر اساس معانی طلسمی، می‌توان تصور کرد که این نقش‌مایه کارکردی نمادین خصوصاً برای دفع نیروهای شر داشته است. به‌نظر می‌رسد تداوم و فراوانی استفاده از این نقش‌مایه‌ها در دست‌بافته‌های منطقه با اهداف خاصی صورت گرفته است. «مثلث با دارا بودن سه‌گوشه تیز و فرورونده، حالتی تهاجمی و تعرض‌گونه به بیرون دارد که در باورهای عامیانه مردم بلوچ، این شکل در هر مکانی باعث گریز و دوری از ارواح خبیثه و دیگر دشمنان است» (نعمت شهربایی، ۱۳۹۳، ۹۳). ماهیت نقوش هندسی، بر نظم و تعادل بنا گشته است و به لحاظ داشتن بار معنایی، نمایان‌گر تصورات مردمان منطقه هستند که در رابطه‌ای نمادین با طبیعت پیرامون قرار دارند. در مبانی هنرهای تجسمی مدرن و امروزی نیز مثلث دارای همین مفهوم است. زمانی که سه دایره در خارجی‌ترین نقاط خود با یکدیگر مماس شوند اولین چند ضلعی؛ یعنی مثلث به‌وجود می‌آید. به نقل از بلخاری، ابن‌سینا در فصلی از طبیعیات کتاب «شفا» برای عناصر اشکال هندسی قائل می‌شود. او معتقد است «چهار عنصر سطوح را می‌سازند که الزاماً باید مستقیم باشند و چون ساده‌ترین شکل‌ها مثلث است پس همه اجسام از مثلث ساخته می‌شوند. آتش به‌شکل هرمی است که قاعده آن چهار مثلث است و آب شکلی است از بیست قاعده مثلث و هوا از هشت قاعده مثلث و خاک مکعبی است که از سطوح مربع ساخته می‌شود و مربع بالقوه از مثلث‌ها ساخته می‌شود» (بلخاری، ۱۳۸۶، ۶۵). شکل پرکاربرد دیگر، مربع است که از مهم‌ترین اشکال هندسی می‌باشد و یکی از عمده‌ترین صورت‌های رمزی شناخته شده است. «مربع شکلی متعادل است که از ترکیب خطوط عمودی و افقی یک اندازه حاصل می‌شود و یکی از عمده‌ترین صورت‌های رمزی شناخته شده است. مربع شکلی ایستا و با

ثبات، با اضلاع و زوایایی برابر است که احساس سکون، استحکام، حصار، کمال و استقرار را برمی‌انگیزاند. مربع در حد چهار یکی از ایستاترین شکل‌ها و نماینده متسجم‌ترین و با ثبات‌ترین جنبه خلقت است» (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ۲۹). از دیگر نقوش هندسی ساده اما پرکاربرد در تزئینات دست‌بافته‌های اقوام سیستانی و بلوچ، نقش مایه لوزی است. این نقش نیز دارای معانی نمادین بسیاری است و در طلسم‌ها و تعاویذ کاربرد بسیار داشته است. به نظر می‌رسد هنرمند بافنده نیز با اعتقاد به این مفاهیم و کاملاً هدفمند از این نقش مایه در دست‌بافته‌های خود استفاده کرده است. «لوزی نماد چشم همه جا نگرنده و نماد پیروزی است» (هال، ۱۳۸۳، ۱۶). همچنین از نقش مایه دو لوزی قفل شده در هم در طلسم‌ها برای «دور نگه داشتن چشم بد و دور کننده ارواح خبیثه استفاده می‌شود» (شیرانی، ۱۳۸۸، ۲۷). به نظر می‌رسد در دست‌بافته‌ها نقوشی که به عنوان چشم‌زخم استفاده می‌شود اغلب تکرار شکل‌های مثلث، لوزی و مربع است. این اعتقاد در میان مردم عامه به‌ویژه عشایر منطقه بسیار است و در دست‌بافته‌های عشایری و روستایی نقوشی برای محافظت از چشم‌زخم به شکل تعویذ و طلسم نقش بسته است. اشکال بافته شده در این دست‌بافته‌ها در کنار همخوانی شکل گرفتن این فرم با شیوه بافت بر روی دست‌بافته‌ها باعث رواج این اشکال شده است. کاربرد شکل مثلث برای تعویذبند و گلوبند حیوانات در کنار نقوشی با اشکال مثلث تأکیدی بر خاصیت این شکل است. نقوش آویزبافته‌های سیستان و بلوچستان با بنیاد سه شکل مربع، مثلث و لوزی با تأکید بر چشم‌زخم بودن و خاصیت تعویذی و طلسمی در باور بافندگان این منطقه شکل گرفته است. این نقوش در (جدول ۶) نمایش داده شده است.

جدول ۶. نقوش آویزبافته‌های سیستان و بلوچستان. منبع: نگارندگان.

نام نقش مایه	کاربرد نقش مایه	تصویر
حصیری	تعویذی	
ستاره	مال بند	
تعویذی	مال بند	
عجب	یک تلی	

نام نقش مایه	کاربرد نقش مایه	تصویر
ماه و روچ	یک تلی	
هشت‌چم	یک تلی	
سورمهر	یک تلی	
فراموش شده	مال بند	
مجلک	نقش مایه‌ای به شکل پنج مربع کوچک گوشه‌به‌گوشه (مجلک نام استخوانی‌ست که به فارسی قاب نامیده می‌شود) (حصوری، ۱۳۷۱، ۸۳). به صورت نوار در حاشیه اکثر دست‌بافته‌ها بافته می‌شود.	
نقش مثلث و کجک	نقش مایه‌ای که ترکیبی از دندانه‌هایی به شکل مثلث با طرحی چون کجک آمیخته شده است که در تعویذبند و مال بند استفاده می‌شود.	
چشم	نقش مایه‌ای که آن را حصوری جزء حاشیه‌های فراموش شده یاد می‌کند اما صورت مثلثی و نقطه سیاه در بخش‌های آن تداعی شکل چشم می‌باشد و در اکثر دست‌بافته‌ها دیده می‌شود.	

بحث و تحلیل

باورها و اعتقادات اقوام سیستانی و بلوچ موجب به‌وجود آمدن طرح‌های بدیع و نقوش خاصی بر روی دست‌بافته‌ها شده است. دو عامل مهم طبیعت و فرهنگ را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر نقوش دست‌بافته‌های عشایری در سیستان و بلوچستان نام برد. این عوامل در دست‌بافته‌های عشایری با توجه به طبیعت خاص و بکر و همچنین فرهنگ اصیل، غنی و دست‌نخورده منطقه بسیار پررنگ و با اهمیت است. طبیعت خاص این منطقه از دو منظر بر نقوش موجود در دست‌بافته‌ها تأثیر گذاشته است. اول این‌که با توجه به اقلیم گرم و خشک منطقه و وجود دشت‌ها و شن‌زارها در شمال و همچنین کوه‌ها در جنوب استان، از طرفی وزش بادهای و طوفان‌های شدید و طولانی که به بادهای صد و بیست روزه در منطقه معروف است، طبیعتی خاص و خشن را برای این منطقه رقم زده است. در طول تاریخ این عوامل موجب شده تا خشونت فرم‌ها و زاویه‌های تیز در هنر این اقوام مخصوصاً سوزن‌دوزی تجلی پیدا کند. عامل مهم دیگر که در نقوش تزئینی منطقه تأثیرگذار بوده، فرهنگ است. «بدون تردید هر قومی با توجه به عوامل تاریخی و برداشتی که از زندگی دارد، اسطوره‌ها، باورها، افسانه‌ها و هنرهای خود

را می‌سازد» (بیهقی، ۱۳۶۷، ۱۶). بافندگان سیستانی و بلوچ نیز مانند سایر بافندگان اصیل مناطق گوناگون، از شکل‌ها و نمادهای اعتقادی و فرهنگی تمدن و دیار خود الهام گرفته‌اند و بسیاری از نبه شیوه‌های نمادین را به شیوه خاص در هنرهای صناعی به‌خصوص فرش به‌کار برده‌اند. «پاره‌ای از این نقوش در ابتدای زایش به طبیعت اشیاء نزدیک‌تر بوده‌اند؛ ولی در اثر کاربرد مداوم از صورت طبیعی و معین خود که در ذهن بافنده و حتی بیننده وجود داشته به مرور خارج گشته و به‌صورت نماد و انتزاع در آمده است» (حسین‌آبادی و رهنورد، ۱۳۸۵، ۶۳). نقوش دست‌بافته‌های عشایری سیستان و بلوچستان علی‌رغم هندسی و شکسته بودن از قابلیت کشش و تغییر و تبدیل به اشکال دیگر برخوردارند که این امر باعث ایجاد ترکیبات فراوان می‌شود. به‌کارگیری خطوط شکسته علاوه بر این که تجرید اشکال را تسهیل می‌کند طرح و نقش دست‌بافته‌های عشایری را در طبقه و سبک خاصی قرار می‌دهد و آن را از نوع شهری متمایز می‌سازد. «استفاده از فرم‌ها و نقوش زاویه‌دار که بافندگان به‌صورت ذهنی و بدون نقشه خلق می‌کردند هم‌چنین رنگ‌های گرم و شاد در ترکیب‌بندی‌ها نشان از تأثیر اقلیم و فرهنگ منطقه بر هنر این سامان دارد» (پیری، ۱۳۸۹، ۴۹). برخی اشکال هندسی به‌دلیل معانی و مفاهیمی که در فرهنگ عامه دارند دارای ارزشی خاص شده و از این روی در نقش‌مایه‌های تزئینی خصوصاً دست‌بافته‌های عشایری راه یافته‌اند در این بین، نقش‌مایه مثلث، لوزی و مربع دارای معانی طلسمی و تعویذی بیشتری هستند که به تفصیل در (جدول ۵) ارائه شده است. بیشترین کاربرد این نقش‌مایه‌ها جذب نیروهای خیر، طلب باران، رحمت و باروری از یک سو و دفع نیروهای شر، خبیث و خصوصاً جلوگیری از چشم‌زخم از سوی دیگر بوده است. به تعبیری شاید در سال‌های خشکسالی در سیستان و بلوچستان توجه بیشتری به صنایع‌دستی خصوصاً دست‌بافته‌ها شده است. لذا هنرمند بافنده نیز به پیروی از جامعه و محیط در پی راهی برای خروج از خشکسالی بوده و از این رهگذر نقوشی را در دست‌بافته‌های خود خلق کرده که معتقدند دارای نیروی ماورائی بوده و می‌تواند در خروج از این بحران مؤثر باشند.

نتیجه

در میان عشایر سیستان و بلوچستان باورهای زیادی وجود دارد که با زندگی مردم عجین شده و نشان دهنده نحوه زندگی آن‌هاست. یکی از این باورها و اعتقادات، طلسم و تعویذ است که در قالب نقوش تزئینی بر دست‌بافته‌هایشان جایگاه ویژه‌ای دارد. با توجه به تفاوت‌های بومی لحاظ شده در انواع بافته‌ها در این پژوهش سعی بر آن داشتیم تا به وجهی خاص از تولیدات بومی زنان عشایر سیستان و بلوچستان در قالب آویزبافته‌ها بپردازیم. در این پژوهش علاوه بر شناسایی دست‌بافته‌هایی مانند یک‌تلی، تعویذبند، گلوبند چهارپایان و پلک، نقوش دست‌بافته‌ها نیز بررسی شدند در این میان عوامل طبیعی و فرهنگ تأثیر مشهودی بر شکل‌گیری نقوش این دست‌بافته‌ها داشته‌اند. اعتقاد به وجود نیروهای خیر و شر و ارزشی که این نقوش در برخی از فرهنگ‌ها کسب کرده‌اند باعث استفاده از آن‌ها در بستر دست‌بافته‌ها به‌عنوان نقوش تزئینی با اهداف طلسمی و تعویذی به‌صورت نمادین است. این موارد خصوصاً در جوامع عشایری به‌دلیل نوع زندگی بیشتر مشهود می‌باشد. قابل ذکر است، بنیاد این نقوش خطی و غالباً مثلث است که در تطابق با شیوه بافت به‌خصوص در گلیم‌بافت‌ها رواج یافته است و هدف از شکل‌گیری این بافته‌های تزئینی، نمایش مجموعه نقوشی است که پاسخ‌گوی هراس‌ها، ترس‌ها و دفع بلاها در باور مردم این دیار است که با توانمندی زنان بافنده بر آویزبافته‌ها تداوم یافته است.

پی‌نوشت

۱. دوختن آیین‌های کوچک با فواصل متفاوت یا یکسان بر روی آویزبافته‌ها، لباس‌ها، کمربند و ... آیین‌دوختن نامیده می‌شود.
۲. پُلک یا منگوله که با رشته‌های رنگی الیاف پشم، نخ و یا کاموا بافته می‌شوند و به تنهایی و یا به‌عنوان تزئین به‌همراه سایر بافته‌ها آورده می‌شود.

3. Shall
4. Cont
5. Godam

منابع

- آیین‌دست، حورا. (۱۳۹۳). *بررسی زمینه‌های اجتماعی به‌وجود آمدن طلسم و تعویذ و تأثیر آن بر جنبش سقاخانه* (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته نقاشی)، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تهران مرکزی، تهران، ایران.
- اردلان، نادر و بختیار، لاله. (۱۳۸۰). *حس وحدت: نقش سنت در معماری ایرانی* (مترجم و نداد جلیلی، یغمایی). تهران: زیبا سازی شهر تهران.
- افضل‌طوسی، عفت‌السادات و سنجی، مونس. (۱۳۹۳). *آرایه‌ها و نگاره‌های مرتبط با چشم‌زخم در دست‌بافته‌های اقوام ایرانی*. نگره، ۳۱(۹)، ۷۷-۹۱.
- بلخاری، حسن. (۱۳۸۶). *حکمت هنر و زیبایی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بروگش، هینریش. (۱۳۷۴). *در سرزمین آفتاب* (ترجمه مجید جلیلود). تهران: مرکز.
- بیهقی، حسین‌علی. (۱۳۶۷). *فرهنگ عامه*. مشهد: قدس رضوی.
- پیری، علی. (۱۳۸۹). *شناسایی و ساماندهی نقشه‌های قالی سیستان* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته صنایع دستی). مؤسسه آموزش عالی سوره، تهران، ایران.
- تناولی، پرویز. (۱۳۸۷). *طلسم گرافیک سنتی ایران*. تهران: بن‌گاه.
- جهانشاهی‌افشار، علی و مداحی‌مشیزی، جواد. (۱۳۹۶). *تعویذ در فرهنگ عامه* (مطالعه موردی فرهنگ عامه مردم کرمان)، *دو ماهانه فرهنگ و ادبیات عامه*، ۱۳(۵)، ۲۸-۵۰.
- حسین‌آبادی، زهرا و رهنورد، زهرا. (۱۳۸۵). *بررسی نقش و رنگ در قالی سیستان*. *گلجام*، ۵(۴)، ۵۷-۷۳.
- حصوری، علی. (۱۳۷۱). *فرش سیستان*. تهران: انتشارات فرهنگان.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سیدسجادی، سید منصور. (۱۳۸۸). *گزارش‌های شهر سوخته ۱*. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- سوری، آزاده. (۱۳۹۷). *پژوهشی در نقش‌پردازی گلیم قشقایی فارس*. *هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*، ۲۳(۲)، ۵۵-۶۸.
- شهبخش، سعیدمحمد. (۱۳۸۴). *نقوش تزئینی بلوچ*. *کتاب ماه هنر*، ۸(۸۹ و ۹۰)، ۱۴۴.
- شیرانی، راضیه. (۱۳۸۸). *رویکردی نمادین و تصویری به طلسم‌های ایرانی*. *نقش‌مایه*، ۲(۳)، ۳۴-۲۱.
- عربستانی، مهرداد. (۱۳۸۷). *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی* (جلد ۱۵، چاپ اول). تهران: نشر مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- عزیزفر، امیرعباس. (۱۳۹۲). *بررسی طلسم و طلسم‌گشایی در قصه‌های عامیانه فارسی (سمک‌عیار، حسین کرد و امیرارسلان)*. *متن‌شناسی/ادب فارسی*، ۵(۱)، ۸۳-۱۰۰.
- کشاورز، الناز و جوادی، شهره. (۱۳۹۵). *نسب‌نشان فرهنگی و سوزن‌دوزی بلوچ*. *هنر و تمدن شرق*، ۴(۱۳)، ۱۷-۲۰.
- مجیدی، مؤگان و نوروز برازجانی، ویدا و حاتم، غلامعلی. (۱۳۹۰). *نقش اعتقادات و باورها در نقوش دست‌بافته‌های عشایری*. *همایش ملی هنر، فرهنگ، تاریخ و تولید فرش دست‌باف ایران و جهان*. دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد، اصفهان، ایران.
- معین، محمد. (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

- ناغانی، ابراهیم. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر زیبایی‌شناسی نقش و رنگ گلیم‌های عشایر بختیاری. *فصل نامه علمی نگارینه هنر اسلامی*، ۱(۱)، ۱۹-۳۹.
- نعمت‌شهربابکی، ابوالقاسم. (۱۳۹۳). *بررسی طلسم و تعویذ و تأثیر آن در نقش‌مایه‌های فرش‌های سیستان و بلوچستان* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فرش). دانشگاه کاشان، اصفهان، ایران.
- هال، جیمز. (۱۳۸۳). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب* (ترجمه رقیه بهزادی). تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- هدایت، صادق. (۱۳۸۱). *فرهنگ عامیانه مردم ایران*. تهران: نشر چشمه.
- یعقوب‌زاده، آزاده. (۱۳۹۲). نقش‌مایه طلسم محافظ بر فرش ترکمن. *کتاب ماه هنر*، ۱۶(۱۸۴)، ۲۲-۲۶.
- یعقوب‌زاده، آزاده و خزائی، محمد. (۱۳۹۸). نقش‌مایه‌های طلسم، تعویذ و حرز، مطالعه موردی: دست‌بافته‌های عشایر لر بختیاری. *فصلنامه هنر و تمدن شرق*، ۷(۲۵)، ۴۳-۵۴.
- واعظ‌کاشفی، ملاحسین. (۹۱۰ق). *اسرار قاسمی اسرار قاسمی در علم کیمیا، سیمیا، ریمیا، کیمیا و همیمیا*. بی نا
- Elliade, M & Adams, CH. (1987). *Encyclopaedia of religion. Mc Millan*(Vol.14). New York: Extramarc University of Alberta Libraries

